

تبیین سوء مصرف مواد مخدر در پرتو نظریه خرده فرهنگ‌ها با تاکید بر رویکرد پیشگیرانه

مهدی صبوری پور^۱، ناصر حشمتی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳

چکیده

زمینه و هدف: ناگفته پیداست که علت‌شناسی جرائم در جرم‌شناسی با هدف کمک به پیشگیری از جرم و درمان آن صورت می‌گیرد. اعتیاد به مواد مخدر نیازمند شناسایی همه‌جانبه و دقیق زمینه‌ها و علل ارتکاب اعتیاد است و باید به چرایی ارتکاب این جرم توجه شود. یکی از نظریه‌هایی که در حیطه پژوهش‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی از آن در تبیین اعتیاد و پایداری آن استفاده می‌شود، نظریه‌هایی هستند که وجود خرده فرهنگ جرم و با انحراف را میان گروهی از افراد ریشه‌یابی می‌کنند و دارای چهار مؤلفه پایگاه اقتصادی - اجتماعی، یادگیری، عملکرد نهادهای جامعه‌پذیر و نگرش محرومیت نسبی هستند.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. مبانی نظری پژوهش با استفاده از اسناد و داده‌های کتابخانه‌ای و داده‌های میدانی، با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها به دو شیوه آمار توصیفی و استنباطی انجام شد.

یافته‌ها و نتایج: براساس یافته‌های پژوهش مشخص شد که الگوی مصرف مواد مخدر در میان جوانان تغییر یافته است و مصرف انواعی از مواد مخدر در میان گروهی از جوانان، تبدیل به هنجار شده و به عنوان جزئی از زندگی روزمره پذیرفته می‌شود و تنها در پرتو فهم فرایند عادی شدن است که می‌توان، برنامه‌های پیشگیرانه سنجیده‌ای را اجرا کرد.

کلیدواژه‌ها: اعتیاد، خرده فرهنگ، مواد مخدر، یادگیری و فرهنگ.

مقدمه

تهدید نرم مواد مخدر و روان‌گردان‌ها به صورت زلزله‌ای خاموش، محیط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را نشانه گرفته است. اعتیاد، موقعیت و منزلت افراد را تنزل می‌دهد و او را در نزد دیگران به عنوان فردی معرفی می‌کند که بی‌عاطفه، فاسد و دارای شخصیت نامتعارف است. نظام خانواده را متلاشی می‌کند، درآمد خانواده و جامعه را تقلیل می‌دهد و بخش قابل توجهی از آن را اتلاف می‌کند. مصرف مواد مخدر توسط خیل عظیمی از نوجوانان و جوانان کشور ایران و به ویژه کلان‌شهرها را از بخش بزرگی از نیروی انسانی و همچنین سرمایه‌های اجتماعی بالقوه محروم می‌سازد؛ بنابراین لازم است که دلایل و زمینه‌های گرایش افراد به مصرف مواد مخدر مدنظر قرار گیرد. علل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روحی روانی فرد نیز نقش زیادی در گسترش معتادان در شهرهای کشور دارد. هر چند پژوهش‌های بسیاری راجع به معتادان و مصرف مواد مخدر صورت گرفته اما بررسی آن از زبان و دیدگاه معتادان موضوع تازه‌ای است. شناخت محیط پیرامون معتادان و عواملی که در این محیط زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگ و خرده‌فرهنگ مصرف مواد مخدر می‌شود و نیز سعی بر تغییر این خرده‌فرهنگ و پیشگیری آن دارد، می‌تواند حوزه جدیدی برای پژوهش‌های تبیینی اعتیاد باشد.

مسئله اعتیاد به مواد مخدر در جهان امروز از مسائل مهم اجتماعی است که در بیشتر کشورها به صورت مشکل بزرگی برای جامعه و دولت‌ها درآمده است. جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، پزشکان و دیگر متخصصان و همچنین سازمان‌های مختلف برای پیشگیری و مبارزه با اعتیاد، طرح‌ها و برنامه‌های مختلف و زیادی را به اجرا درآورده‌اند تا سلامت افراد و بهداشت عمومی جامعه را حفظ کنند و از به هدر رفتن نیروهای انسانی و به خصوص نسل جوانان جلوگیری کنند.

با توجه به سیاست‌گذاری‌های مختلف در رابطه با کاهش و یا از بین رفتن مصرف مواد

مخدر در جامعه، چهار میلیون مصرف کننده رسمی مواد مخدر در کشور وجود دارد و پانزده میلیون نفر در خانواده‌ها درگیر فرد معتاد هستند.^۱ بکارگیری یک رویکرد مناسب برای قانون گذاری، وضع مجازات و پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، نیازمند شناسایی همه جانبه و دقیق زمینه‌ها و علل گرایش به مواد مخدر است. به نظر می‌رسد یکی از اقدامات مهمی که در پژوهش‌های علت‌شناسی مصرف مواد مخدر باید مدنظر قرار گیرد و در بکارگیری تدابیر و سیاست‌های مختلف مقابله با معتادان، بازتاب یابد، بررسی چرایی مصرف مواد مخدر است. این که نگرش افراد، به خصوص جوانان به سوی مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها چیست و چه چیزی باعث می‌شود آنان، مسیرهای بهنجار تحصیل و اشتغال را رها کرده و خطرات سوء مصرف مواد مخدر را به جان بخرند؟

به طور کلی آسیب‌های اجتماعی اعتیاد و پایداری آن در برخی از مناطق ایران، مسئله‌ای است که کمتر در پژوهش‌های جرم‌شناسی مدنظر قرار گرفته^۲ و این پژوهش درصدد است تا به این جنبه از اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بیشتر بپردازد. با بررسی واقعیت‌ها راجع به اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان در کشور و توجه به برخی از ویژگی‌های مرتکبان مانند مشارکت چند نفره آنان، توجه‌هایی که آنان را در مصرف مواد مخدر و روان‌گردان متقاعد می‌سازد، گروهی بودن ارتکاب آن و پیامدهای آن برای جامعه، می‌توان به طور اجمالی به چارچوب نظری خاصی برای تبیین جرم اعتیاد دست پیدا کرد. یکی از نظریه‌هایی که در حیطه پژوهش‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی، می‌توان از آن در تبیین جرم اعتیاد و پایداری آن بهره گرفت، نظریه‌هایی هستند که وجود خرده‌فرهنگ جرم

۱. همشهری آنلاین. ۲ تیر ۱۳۹۴، کد خبر ۲۹۸۹۵۲

۲. عنایت اندک جامعه‌شناسان ایرانی به آسیب اجتماعی اعتیاد، با وجود شیوع وسیع آن در ایران در فهرستی که آنان هر از چند گاهی از آسیب‌های اجتماعی موجود در ایران به دست می‌دهند، قابل مشاهده است. ر. ک به: متحد، محمود. (۱۳۸۳). آسیب‌های اجتماعی ایران (مجموعه مقالات). چاپ پنجم. تهران: انتشارات آگه و کاوه، محمد. (۱۳۹۱). فهرست بیماری‌های اجتماعی مندرج در فصل سوم کتاب آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

و یا انحراف را در میان گروهی از افراد ریشه‌یابی می‌کنند و علل پنهانی و اصلی روی‌آوری به آن خرده‌فرهنگ را بیان می‌کنند. در نظریه‌هایی که سعی در تبیین جرم بر مبنای شکل‌گیری خرده‌فرهنگ دارند، توجه خاص جرم‌شناسان به آن دسته خرده‌فرهنگ‌هایی است که از قبح اعمال بزهکارانه چشم می‌پوشند، برای آن اعمال ارزش و بها قائل می‌شوند و در صورت فراهم بودن شرایط آنها را مرتکب می‌شوند (مگوایر و مورگان، ۱۳۸۹، ص ۳۶۹).

پیشینه: این پژوهش تلفیقی از مطالعه جرم‌شناسی دو حوزه اعتیاد به مواد مخدر و نظریه‌های خرده‌فرهنگی جرم است. در هر یک از این دو حوزه، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است اما ادبیات بسیار اندکی در ایران از مطالعه علل جرم اعتیاد در پرتو نظریه‌های خرده‌فرهنگی و به طور کلی نظریه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی موجود است. بهره‌گیری از نظریه‌های خرده‌فرهنگی برای تبیین جرائم و انحرافات - که خود نشأت گرفته از پژوهش‌های جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان مکتب شیکاگو است - در برخی پژوهش‌های انجام شده در ایران راجع به بزهکاری، جرائم و انحرافات به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه می‌توان به پایان‌نامه امین صارمی (۱۳۷۷) با عنوان «خرده‌فرهنگ و جرم (بررسی خرده‌فرهنگ‌های دستگیرشدگان منکراتی)» که از نخستین پژوهش‌های این زمینه است، اشاره کرد. به طور خاص در ارتباط با جرم اعتیاد و تحلیل جرم‌شناختی و یا جامعه‌شناختی آن می‌توان به پایان‌نامه روزفیروز بخشایش (۱۳۸۹) با عنوان «آسیب‌های اجتماعی اطفال و نوجوانان در گرایش به اعتیاد از دیدگاه جرم‌شناسی» اشاره کرد که در تحلیل جرم اعتیاد از نظریه‌های فشار مرتون و معاشرت ترجیعی ساترلند استفاده کرده است. پژوهش دیگر در این زمینه و توجه به امر پیشگیری از اعتیاد در پایان‌نامه خلیلی (۱۳۹۱) با عنوان «تحولات اخیر سیاست جنایی ایران در قبال اعتیاد و قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان صنعتی غیر دارویی» به رشته تحریر درآمده است. همچنین پایان‌نامه اشتری (۱۳۹۵) با عنوان «مطالعه نظری - عملی ماده ۵ آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد مصوب ۱۳۷۷» هم می‌توان اشاره کرد که پدیدآورنده آن به

مطالعه میدانی پرداخته است و اینکه آیا مدارس به امر پیشگیری از اعتیاد و آیین‌نامه یادشده اعتنایی کرده‌اند یا خیر، که یافته پژوهشگر نشان از بی‌توجهی به آیین‌نامه مربوطه و اجرای آن در مدارس است. سرانجام در رساله یکتن خدایی (۱۳۹۵) با عنوان «واکاوی تعهدات بین‌المللی ایران در مبارزه با جرائم مواد مخدر»، نگارنده تدابیر پیشگیرانه از وقوع جرائم مواد مخدر را شناسایی و تحلیل کرده است. سپس وضعیت دولت ایران را از حیث اجرای تعهدات بین‌المللی مرتبط با مواد مخدر، مطالعه کرده و درنهایت به این نتیجه رسیده است که سیاست جنایی ایران در مبارزه با جرائم مرتبط با مواد مخدر، سرکوب‌گرانه و واکنشی بوده است و در پیشگیری خدمت گسترده‌ای انجام نشده است.

مبانی نظری: در تعریف مختصر «خرده‌فرهنگ»^۱ باید گفت که نقطه اشتراک تمام تعاریفی که در منابع مختلف آمده است وجود یک «مجموعه فرهنگی» یعنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها در هر خرده‌فرهنگ است. بنابراین خرده‌فرهنگی که فارغ از تعاریف، هنجارها و ارزش‌های خاص خود باشد، قابل تصور نیست. جیمز شورت^۲ در تعریف خرده‌فرهنگ می‌نویسد: «خرده‌فرهنگ‌ها الگوهایی از ارزش‌ها، هنجارها و رفتار هستند که در میان گروه‌های خاصی به سنت تبدیل می‌شوند. آنها شبکه‌های مهم مرجع هستند که افراد و گروه‌ها از طریق آنها جهان را می‌بینند و آن را تفسیر می‌کنند» (شورت، ۱۹۶۸، ص ۲۱).

جامعه‌شناسان بر این اعتقادند که خرده‌فرهنگ‌ها انواع مختلفی دارند و به روش‌های مختلفی قابل تقسیم‌بندی هستند (امین صارمی، ۱۳۷۷) مانند خرده‌فرهنگ‌های روستایی، خرده‌فرهنگ‌های نژادی، خرده‌فرهنگ‌های انحرافی و مانند آنها. پیدایش هر گروهی که با یک ویژگی از سایر گروه‌ها متمایز می‌شود به شکل‌گیری خرده‌فرهنگ می‌انجامد. بدین‌سان، یکی از انواع خرده‌فرهنگ‌ها، خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه یا منحرفانه است. این نوع خرده‌فرهنگ هم در برخی منابع به طور خاص تعریف شده است. به عنوان مثال کوهن پس

از نگارش کتاب «پسران بزهکار»، در یکی از مقالات خود، خرده‌فرهنگ بزهکاری را این طور تعریف می‌کند: «خرده‌فرهنگ بزهکاری نظامی از باورها و ارزش‌هاست که در یک فرایند واکنش جمعی افراد، که شرایط مشابهی در یک ساختار اجتماعی دارند و به عنوان یک راهکار جمعی برای سازگاری این افراد با مشکلات‌شان در این ساختار، شکل می‌گیرد» (کوهن، ۱۹۵۸، ص ۲۰)

بنای نظریه‌های خرده‌فرهنگی جرم بر اثبات‌گرایی است یعنی این نظریه‌ها در صدد تبیین علل ارتکاب جرم بر مبنای عوامل اجتماعی و اقتصادی هستند. اما توجه تلویحی و ضمنی به فرایندهای اجتماعی، نکته‌ای است که به رغم اشتقاق نظریه‌های خرده‌فرهنگی از نظریه فشار، این نظریه‌ها را متمایز می‌سازد. ساختار و مشکلات ساختاری که فرد در انطباق با آنها دست به ارتکاب جرم می‌زند، منشأ اصلی نظریه‌های خرده‌فرهنگ جرم هستند، اما چون فردی که در آستانه مصرف مواد مخدر قرار دارد در تعامل و ارتباط با دیگران این واکنش را جستجو می‌کند، یاد می‌گیرد و حتی به دیگران یاد می‌دهد. در طول تاریخ علم جرم‌شناسی، نظریه‌های مختلفی در تبیین جرم از سوی اندیشمندان مختلف ارائه شده است که هر کدام از آنها بر جنبه‌ای از علت‌شناسی جرم تأکید بیشتری دارند. دسته‌ای از این نظریه‌ها علل فیزیکی و دسته‌ای علل اجتماعی را مدنظر قرار داده‌اند و یا از نگاه دیگر، برخی از این نظریه‌ها بر فرد و اعمال و رفتار وی تأکید دارد و برخی دیگر بر گروه و واکنش‌های جمعی تأکید می‌کنند (آکرز و جنینگز^۱، ۲۰۰۹، ص ۳۳۲).

نقطه اصلی و مشترک در همه کارها و آثار مکتب شیکاگو، رویکرد اثبات‌گرایی است و مفروضه جبرگرایی با قوت تمام در تمام کارهای مکتب شیکاگو، ظاهر است و همچنین تأکید اثبات‌گرایانه بر مشاهده سامان‌مند و آزمون، به روشنی در کار مکتب شیکاگو منعکس شده است (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱، ص ۸۱).

برای بحث راجع به مبنای ساختاری نظریه‌های خرده‌فرهنگی که به نوعی اساسی‌ترین

مشخصه آنها به شمار می‌رود، ابتدا باید به تعریف ساختار اجتماعی^۱ پرداخت. با تعریف ساختار اجتماعی می‌توان به مقصود نظریه پردازان خرده فرهنگی از اهمیت و نقش ساختار اجتماعی در ایجاد خرده فرهنگ‌های مجرمانه پی برد. ساختار اجتماعی مجموعه روابط و پیوندهایی است که میان افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف یک جامعه برقرار است و نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه براساس این روابط ترتیب و تنظیم می‌یابد (شفر^۲، ۲۰۱۲، صص ۲۱۳).

پنج عنصر اساسی ساختار اجتماعی عبارت‌اند از: پایگاه‌ها، نقش‌های اجتماعی، گروه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای اجتماعی. در واقع منظور از ساختار اجتماعی قالب‌هایی است که در آن یک جامعه به شکل روابط قابل پیش‌بینی، سازماندهی می‌شوند (شفر، ۲۰۱۲، صص ۲۱۴).

جوهره نظریه خرده فرهنگی نیز همین دیدگاه ساختاری به جرم و مجرمان است، یعنی طبقات پایین در جامعه از نظر دستیابی به جایگاه اجتماعی دچار ناکامی می‌شوند و در واقع شکل‌گیری خرده فرهنگ مطلوب گروه معتادان نوعی پاسخ و راهکار جمعی است به مشکلاتی که دانش‌آموزان و جوانان برای سازگاری خود با محیط با آن روبرو هستند (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱، ص ۹۲). مبنای ساختاری نظریه‌های خرده فرهنگی جرم و به ویژه تکیه‌ای که بر نقش عوامل محیطی می‌کنند و توجه به این موضوع در تبیین اعتیاد، ابعاد پنهانی از این جرم را آشکار می‌سازد.

هر چند بعد اصلی نظریه‌های خرده فرهنگی، توجه به نقش ساختار اجتماعی است و در تقسیم‌بندی‌هایی که بسیاری از پژوهشگران درباره نظریه‌های جرم‌شناسی انجام داده‌اند، این نظریه‌ها در زمره نظریه‌های ساختاری محسوب می‌شوند، اما از محتوای این نظریه‌ها، مبنای دیگری نیز قابل استنباط است و آن توجه به نقش و اهمیت فرآیندهای اجتماعی است. در

حقیقت طبقه‌بندی نظریه‌های خرده‌فرهنگی به عنوان نظریه‌های به کلی ساختاری تا حد زیادی دشوار است، زیرا بسیاری از مفروضات آنان مبتنی بر فرایندهای اجتماعی مثل یادگیری و جامعه‌پذیری است. فرد هرچند هم جایگاه اجتماعی پایینی داشته باشد، برای مصرف مواد مخدر به ناچار باید طریقه مصرف آنرا یاد بگیرد و ویژگی‌هایی را که شایسته عضویت در خرده‌فرهنگ اعتیاد است را کسب کند. جامعه‌پذیری، نوعی فرآیند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فراگرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴).

اما در عین حال فرد ممکن است در یک گروه یا معتاد در خرده‌فرهنگ جرم اعتیاد از نو جامعه‌پذیر شود و ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی را یاد بگیرد و از آن‌ها پیروی کند که در ضدیت با فرهنگ متعارف جامعه است. در مقابل دیدگاه ساختاری که بر فشارهای ساختاری و محیطی تأکید دارد، دیدگاه فرایندی بر «فشارهای جامعه‌پذیر» تأکید دارد و معتقد است که جرم پیامد تربیت، یادگیری و ترک کنترل است و همسالان، خانواده، معلمان، همکاران و همقطاران فرد بر رفتار وی تأثیرگذار هستند (حسینی‌نثار و فیوضات، ۱۳۹۰، ص ۵۵).

بی‌تردید ابتدای طرح جدی و نظام‌یافته نظریه‌های جامعه‌شناسی جرم را باید زمانی دانست که جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی شناخته شد. این موضوع برای نخستین بار توسط امیل دورکیم مطرح شد. وی به شکل‌گیری رفتار مجرمانه در پرتو انواع محیط تأکید کرد (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۲۸). در این راستا وی به ابداع یک مفهوم جدید در عرصه پژوهش‌های جرم‌شناسی یعنی «آنومی» پرداخت و عقیده داشت جرم محصول وضعیت آنومی حاکم بر جامعه است. یک جامعه‌شناس به نام مک ایور، به نحو روشنی مفهوم آنومی در نظریه‌های دورکیم را تعریف می‌کند: «آنومی عبارت است از حالت ذهنی کسی که به اخلاقیات حاکم و خاستگاه آن پشت پا زده و دیگر اعتقادی به جمع جامعه خود ندارد و خود را مجبور به

پیروی از آنها نمی‌بیند. انسان آنومیک از نظر ذهنی عقیم می‌شود و تنها به تمایلات خود می‌پردازد و مسئولیت هیچ‌کس را نمی‌پذیرد (کاوه، ۱۳۹۱، ص ۱۷۹).

روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و براساس روش، پژوهشی قیاسی بر مبنای یک نظریه و پیاده کردن آن در عمل است که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد. مبنای نظری پژوهش با استفاده از اسناد و داده‌های کتابخانه‌ای و داده‌های میدانی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شد.

از آنجا که اطلاعات پرسشنامه و اطلاعات پایه و اطلاعات حاصل از سؤالات چهار گزینه‌ای بر مبنای طیف لیکرت هستند، از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در آمار توصیفی فقط میانگین و فراوانی پاسخ‌ها ارائه شد، اما در آمار استنباطی، امتیازی که هر متغیر در این تحلیل به دست آورده است، سنجیده و بیان می‌شود. پرسشنامه بکار رفته در این پژوهش با توجه به نوع و بدیع بودن موضوع که پژوهش‌های مشابه اندکی داشت، یک پرسشنامه محقق ساخته است.

بر مبنای مؤلفه‌هایی که از نظریه‌های خرده‌فرهنگی استخراج شد و با توجه به پژوهش‌های مستقل موجود، راجع به هر کدام از این مؤلفه‌ها که در گذشته توسط جرم‌شناسان یا جامعه‌شناسان انجام شده است، به طرح پرسش‌های جمعیت‌شناختی، پایه و چهار گزینه‌ای اقدام شد. این تحقیق به طور خاص به چهار نظریه کنترل اجتماعی، فرصت‌های افتراقی، خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه و معاشرت افتراقی توجه کرد و برای هر کدام از این نظریه‌ها پرسشنامه جداگانه‌ای طراحی کرد.

در تحقیق حاضر علاوه بر تریاک، شیشه، گراس، حشیش، هروئین، کراک و مانند آن، اعتیاد به متادون، ترامادول و ریتالین هم آورده شده است. زیرا یافته‌های تحقیق و مصاحبه‌های انجام گرفته حاکی از آن است که افرادی که از روی ناآگاهی این مواد را

مصرف می‌کنند و آنها را مواد سبک و نرم می‌پندارند، آرام آرام گرایش به سمت مصرف دیگر مواد نظیر شیشه، حشیش و مانند آن پیدا می‌کنند. برای تهیه نمونه، از روش «نمونه‌گیری در دسترس»^۱، استفاده شد. نمونه‌ای که به روش در دسترس برای انجام این تحقیق تهیه شد و از آنان خواسته شد که پرسشنامه تحقیق را تکمیل کنند، شامل ۵۰ نفر مرد و ۵۰ نفر زن از کلیه معتادان در کمپ‌های اقامتی، مراکز کاهش آسیب بهزیستی، جوانان مصرف‌کننده مواد مخدر در پارک‌ها و خیابان‌ها می‌شود. برای تعیین پایایی ابزار پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ به شرح جدول ۱ محاسبه شد.

جدول ۱. نتایج محاسبه ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه پژوهش

مقدار آلفا	تعداد گویه	متغیر
نگرش‌های محرومیت نسبی	۵	۰/۸۴
الگوهای یادگیری جرم	۶	۰/۸۹
پایگاه اقتصادی - اجتماعی نوجوانان	۶	۰/۹۳
سوء عملکرد نهادهای جامعه‌پذیر	۸	۰/۹۱

برای بررسی روایی پرسشنامه به طور آزمایشی یک بار پرسشنامه در یک گروه ده نفری از معتادان تکمیل شد و نواقص آن برطرف شد و با مشورت سه تن از اساتید جرم‌شناسی، آمار و جامعه‌شناسی از پرسش‌ها و گزاره‌های مندرج در پرسشنامه، ابهام‌زدایی شد.

یافته‌ها

دیدگاه پاسخگویان در زمینه نحوه مصرف مواد مخدر: دیدگاه پاسخگویان در زمینه نحوه مصرف مواد مخدر مربوط به اولین مصرف و بعد از اولین مصرف بوده است. بر این اساس، ۸۷ درصد معتادان اولین مصرف خود را به صورت گروهی عنوان کرده‌اند. ۶۷ درصد معتادان اولین مصرف خود را به صورت دو نفره تجربه کرده‌اند و تنها ۷ درصد آنها

گروه‌های بالای ۵ نفر بوده‌اند که اعضای این گروه‌ها هم بیشتر به صورت جشن‌های دوستانه گرد هم آمده‌اند و بنابراین مشمول گروهی که مدنظر کوهن بود و در آن تعامل و باورهای مشترک، بین اعضای گروه وجود داشت و برای واکنش جمعی دور هم در آمده بودند، نمی‌شود. گفتنی است که منظور از اولین بار، فقط یک بار مصرف مواد مخدر نیست، بلکه این عنوان مشمول دو یا سه مرتبه اول مصرف هم هست، بنابراین با اغماض پس از اولین مصرف، گفته شده است. ۹۱ درصد معتادان پس از اینکه مصرف از حالت تفنن خارج شده است و به آن مواد وابستگی پیدا کرده‌اند یا به اصطلاح معتاد شده‌اند، مصرف خود را به صورت انفرادی ادامه داده‌اند. یعنی با توجه به این یافته، این گروه پایداری چند روزه داشته و به سرعت از بین رفته است.

وضعیت پاسخگویان درباره اعتیاد داشتن یا نداشتن اعضای خانواده: ۴۳ درصد معتادان، در خانواده‌ای زندگی می‌کنند که بعضی از اعضای آن خانواده معتاد هستند. از نظر اعتیاد اعضای خانواده، گفتنی است که سهم پدر (۴۷ درصد)، برادر و خواهر (۱۷ درصد) و همسر (۳۶ درصد) است.

نحوه آشنایی با مصرف مواد مخدر: یکی از مهم‌ترین یافته‌هایی که می‌تواند در امر پیشگیری از مصرف مواد مخدر، کمک شایانی کند، نحوه آشنایی با مصرف مواد مخدر است. ۵۹ درصد معتادان، نحوه آشنایی با مصرف مواد مخدر را از طریق دوستان بیان کرده‌اند و تنها یک نمونه اذعان کرده که از طریق شبکه‌های مجازی با نحوه مصرف مواد مخدر آشنا شده و سپس آن را امتحان کرده است.

فرصت عضویت در گروه‌های مجرمانه: منظور از فرصت عضویت در گروه‌های مجرمانه این است که آیا فرد معتاد در دوران اعتیاد یا قبل از آن، فرصت این را داشته است که عضو گروه‌هایی نظیر قاچاق مواد مخدر، پخش مواد مخدر، سرقت، کلاهبرداری و مانند آن شود و اگر داشته است آیا عضو آن شده است یا خیر و در صورت اینکه نشده است به چه علت بوده است. ۶۸ درصد معتادان فرصت این را داشته‌اند که برای کسب درآمد بیشتر

عضو گروه‌های مجرمانه دیگر شود. با اینکه ۶۸ درصد معتادان فرصت عضویت در گروه‌های مجرمانه را داشته‌اند تنها، ۵/۸۸ درصد آن‌ها دست به سرقت یا پخش مواد و یا دیگر جرائم زده‌اند و ۹۴/۲ درصد آنها، با وجود داشتن فرصت، عضو آن گروه‌ها نشده‌اند. ۶۱ درصد معتادان علل عضو نشدن در گروه‌های مجرمانه دیگر را داشتن آبروی خانوادگی، حرام بودن عمل ارتكابی و اعتقاد دینی بیان کرده‌اند. این یافته نشان‌دهنده این است که نظرات مراجع دینی و حرمت مصرف مواد مخدر اگر در همان سنین نوجوانی به افراد گفته شود، در امر پیشگیری از مصرف مواد مخدر کمک چشمگیری می‌کند. مطلبی که باید گفته شود، این است که در مصاحبه به عمل آمده از ۶۸ درصد معتادان که داشتن آبرو و اعتقاد دینی را دلیل عضو نشدن در گروه‌های مجرمانه گفته‌اند، مشخص شد که هیچ‌کدام از این معتادان نیاز مالی برای تأمین مواد مخدر مصرفی خود نداشتند و با حقوق کاری خود و یا کمک هزینه‌های مالی پدر و مادر، مواد مصرفی خود را خریداری می‌کردند.

با توجه به اینکه معتادان به عنوان آگاه‌ترین افراد به علل گرایش به سمت مصرف مواد محسوب می‌شوند، در این مطالعه از آنان خواسته شد، به عنوان نمونه آماری درباره اهمیت این عوامل اظهار نظر کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد، سوء عملکرد نهادهای جامعه‌پذیری، الگوهای یادگیری جرم، نگرش‌های محرومیت نسبی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی به ترتیب دارای میانگین بیشتری است. از آنجا که در فراوانی نظرات افراد تفوق وجود دارد، از شاخص ضریب تغییرات که از تقسیم انحراف معیار بر میانگین اولویت عوامل به دست می‌آید، استفاده شده است. بنابر معیار ضریب تغییرات سوء عملکرد نهادهای جامعه‌پذیری، الگوهای یادگیری جرم، نگرش‌های محرومیت نسبی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی به ترتیب دارای اولویت است. از مجموع اطلاعات پرسشنامه‌ها بر می‌آید که نقش هم‌بازی برای مصرف مواد مخدر بسیار برجسته است و این هم‌بازی مواد مخدر می‌تواند همسر، پدر، مادر و یا دوستان باشد و در انتهای یک پرسشنامه معتادی گفت جمله مرا بنویس: «ای کاش در مدرسه یکبار مواد مخدر را معرفی می‌کردند و از ضرر و زیان آن می‌گفتند».

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها: با مسئولان نهادهای مختلفی انجام شد که عبارت‌اند از: معاونت پیشگیری از اعتیاد، بهزیستی استان تهران، آموزش و پرورش منطقه ۱۰، کمپ زنان بهبودگستران همگام، کمپ راهیان نور و زندگی، کمپ خانه دوست‌یاران تهران، مرکز گذری زنان پیام‌آوران همیاری، دبیرستان شهید محمد امینی. خلاصه یافته‌های آنها به شرح زیر است:

- افرادی که هیجان رفتاری، ریسک‌پذیری بالایی دارند و توان نه گفتن کمتری دارند، زودتر و بیشتر به دام مصرف می‌افتند و افرادی که نگرش مثبت‌تری به مواد دارند، به اعتیاد می‌رسند.
- تنهایی، طلب لذت، پرورش در خانواده ناسالم، در دسترس بودن مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و ارزان بودن قیمت آن، همگی می‌تواند، دری به سمت اعتیاد باشد. تبلیغات و برجسته کردن مزیت‌های مصرف این مواد، میل و گرایش به سمت آن را افزایش می‌دهد.
- طبق آمار رسمی بهزیستی، ۲۷ درصد جامعه نگرش مثبت به مواد مخدر و روان‌گردان دارند.
- نتوانسته‌ایم این فرهنگ را ایجاد کنیم که مواد سبک و نرم نداریم و گراس، ترامادول و ریتالین، اعتیادی بس شدیدتر ایجاد می‌کند.
- در دسترس بودن مواد مخدر و روان‌گردان‌ها حتی در مدارس
- آگاهی نداشتن نسبت به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها
- کم‌بودن مراکز تفریحی و ورزشی (در منطقه ۱۰ چیزی قریب به ۵۰ قلیان‌سرا وجود دارد، این در حالی است که شاید مراکز ورزشی فعال منطقه به ۱۰ عدد نرسد، ضمن این‌که عضویت در این مراکز ورزشی منوط به صرف هزینه‌های بسیار است، ولی مصرف مواد و یا استفاده از قلیان‌سراها با پول توجیبی دانش‌آموزان هم امکان‌پذیر است)

- پیشگیری از اعتیاد نیازمند مشارکت سه قوه مقننه، اجرائیه و قضائیه، برنامه‌ریزی درست و پیگیری منسجم و متوالی است.
- اصلی‌ترین عامل گرایش به سمت مصرف مواد مخدر، تنهایی است. شخص در خودش تنها است و دنبال این است که دیگران او را تأیید کنند و چون عزت نفس او پایین است و می‌خواهد دیده شود با کوچک‌ترین اشاره‌ای به سمت مصرف مواد مخدر می‌رود.
- خانواده، دوستان، مدارس و محیط اجتماعی نقش بسزایی در گرایش به سمت اعتیاد و یا ترک اعتیاد دارند.
- فقر کمترین نقش را در گرایش به سمت مصرف مواد مخدر دارد. همچنین نظر ایشان درباره گروهی یا انفرادی بودن مصرف کردن مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بر این بود که اول به صورت گروهی و در جمع شروع می‌شود، اما آن پایداری ندارد و رفته رفته به صورت انفرادی ادامه پیدا می‌کند.
- ارتباط عاطفی شدید با یک پسر معتاد، خانواده معتاد، طلاق پدر و مادر از دلایل اصلی گرایش به سمت اعتیاد در بین دختران نوجوان و جوان است.
- اعتیاد بیشتر مددجویان ناشی از اعتیاد همسرانشان است. همچنین برخی از مددجویان هم به واسطه روابط عاطفی که با یک مرد داشته‌اند به سمت مواد گرایش پیدا کرده‌اند و تعداد کمی از آن‌ها به خاطر لاغر شدن معتاد به شیشه شده‌اند.
- به دلیل اینکه خانم‌ها ترسو و عاطفی هستند سعی می‌کنند تنها با یک نفر (همسر، دوست یا پدر و مادر) مواد مصرف کنند و طوری مصرف می‌کنند که کسی متوجه اعتیاد آن‌ها نشود بنابراین گروهی تشکیل نمی‌دهند.
- ضعف نهادهای جامعه‌پذیری و تسلط شدید نگرش‌های محرومیت نسبی بر افکار جوانان.
- کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی برای جوانان.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

رابطه اعتیاد و پایگاه اقتصادی - اجتماعی: طبق نظرسنجی‌هایی که از معتادان صورت گرفت، ۷۴ درصد آن‌ها معتقد بودند که فقر و بیکاری از دلایل گرایش به سمت مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها نیست و مسئولین کمپ از افزایش حضور معتادانی که از تمکن مالی و رفاهی بالایی برخوردارند در کمپ‌ها خبر دادند. ضمن اینکه محل سکونت ۳۵ درصد معتادانی که از آن‌ها مصاحبه شد، در مناطق ۱ تا ۵ تهران و به خصوص محله‌های سعادت آباد، آریاشهر، شهرک غرب و ستارخان بود، که این محله‌ها از جایگاه اقتصادی - اجتماعی بالایی برخوردارند و تنها ۶ درصد نمونه تحقیق از محله‌های حاشیه تهران و شهرستانها و یا کارتن خواب بودند. همچنین در مصاحبه با معتادان، بسیاری از آن‌ها اذعان می‌کردند که حتی اگر پول و ثروت بیشتری داشتند، مواد بیشتری مصرف می‌کردند و آن‌ها عاشق استفاده از مواد و لذت آن بوده‌اند و فقر و محرومیت به هیچ عنوان عاملی برای گرایش به سمت مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها نیست. از میان صد نمونه آماری، هیچ کدام بیسواد نبوده و تنها ۲۶ درصد آن‌ها تحصیلات ابتدایی و راهنمایی داشتند و ۷۴ درصد نمونه تحصیلات دیپلم (۴۸ درصد)، فوق دیپلم (۴ درصد)، لیسانس (۲۰ درصد) و فوق لیسانس (۲ درصد) داشته‌اند.

براساس نتایج پژوهش‌های میدانی به عمل آمده، تنها ۱۰ درصد معتادان، پدری با درآمد ماهیانه کمتر از ۷۰۰/۰۰۰ تومان داشتند و درآمد ۴۲ درصد پدر آن‌ها بین ۱/۵۰۰/۰۰۰ - ۷۰۰/۰۰۰ تومان و ۳۲ درصد آن‌ها ۲/۵۰۰/۰۰۰ - ۱/۵۰۰/۰۰۰ و نهایتاً ۱۵ درصد آن‌ها ماهیانه بالای ۲/۵۰۰/۰۰۰ تومان درآمد داشته‌اند. یعنی از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و محرومیت، ۹۰ درصد خانواده‌های معتادان قشر متوسط به بالای جامعه هستند که برای تهیه مواد مخدر مصرفی‌شان نیازی به دیگر بزه‌ها نظیر سرقت و زورگیری و مانند آن نداشتند و اصالت و آبروی خانوادگی آن‌ها مانع از این بود که در علن مواد مخدر یا روان‌گردان، مصرف کنند.

رابطه اعتیاد و دسترسی به الگوهای یادگیری مصرف مواد مخدر و روان‌گردان: درباره اعتیاد همان‌طور که مشاهده شد تمامی داده‌ها حکایت از این بود که اعتیاد در ارتباط با یادگیری رخ می‌دهد؛ چه یادگیری باورهای کاذب و چه یادگیری تکنیک‌های مصرف. الگوهای یادگیری جرم رتبه دوم را در عوامل گرایش به سمت مصرف مواد مخدر کسب کرده است و براساس داده‌های پژوهش ۹۹ درصد معتادان نحوه آشنایی با مصرف مواد مخدر را از طریق دوستان (۵۹ درصد)، خانواده (۳۰ درصد) و رفت‌وآمد خویشاوندی (۱۰ درصد) معرفی می‌کردند و ۹۲ درصد معتادان شرایط محیط و محله سکونت خود را برای مصرف مواد مخدر امن می‌دانستند.

همان‌طور که از داده‌های پژوهش برمی‌آید ۹۰ درصد معتادان بیان کرده‌اند، کسانی که در مصرف مواد مخدر تبحر و تجربه بیشتری داشتند ما را در مصرف مواد مخدر حمایت و راهنمایی می‌کردند.

۸۷ درصد معتادان معتقدند نحوه مصرف مواد مخدر برای اولین بار به صورت گروهی است. این گروه‌ها ۲ و یا ۳ نفره است که ۳۰ درصد آنها در خانواده خود و با پدر، مادر و یا برادر خود مصرف می‌کردند و تنها ۹ درصد افراد در مهمانی‌های دوستانه به صورت گروهی ۵ تا ۱۰ نفره مصرف مواد مخدر داشته‌اند.

۹۱ درصد معتادان اذعان کرده‌اند که بعد از دو یا سه بار مصرف و یا زمان ایجاد وابستگی، به صورت انفرادی مصرف را ادامه می‌دادند. بنابر نظریه همنشینی افتراقی، نزدیکان و همسالان، تأثیر زیادی بر تقویت نگرش مثبت به سمت مصرف مواد مخدر می‌گذارند و فرد را به سوی اعتیاد سوق می‌دهند. یعنی مواجهه مکرر افراد با اطلاعات و مسائل مربوط به ناهنجاری و غالب بودن مطالب تشویقی درباره اعتیاد، آن‌ها را برای پذیرش مصرف آماده می‌کند. بنابراین رابطه میان الگوهای یادگیری و اعتیاد از تمام داده‌های پژوهش قابل برداشت است.

رابطه اعتیاد و سوء عملکرد نهادهای جامعه‌پذیری: ۸۷ درصد معتادان گفتند که مأموران

گشت اگر متوجه مصرف مواد مخدر شوند به یک تذکر اکتفا می کنند و طی مصاحبه هایی که با معتادان داشتیم مهر تأیید بر این یافته زده شد. آن ها بیان می کردند که اگر مواد مخدر و یا روان گردان همراهت باشد مأموران دستگیر می کنند و به کلانتری می برند، اما اگر مصرف مواد را مشاهده کنند، به چند تذکر اکتفا می کنند.

۹۳ درصد معتادان بیان کرده اند که مدارس الگوها و شیوه های صحیح زندگی را آموزش نمی دهد و هر چند نسبت به مصرف مواد مخدر دانش آموزان را تشویق نمی کند، اما آن ها را هم منع نمی کنند. زمانی که دانش آموزان به راحتی می توانند در کوچه و خیابان این کشور مواد مخدر خرید کنند و مواد مخدر راحت تر از غذای سفارشی به درب منزل ارسال می شود، و از طرف دیگر الگوهای صحیح زندگی و سوء استفاده مواد مخدر و روان گردان را آموزش ندیده اند، چگونه باید انتظار داشت که همه عزت نفس داشته باشند و روی به لذت مصرف مواد مخدر و روان گردان ها نیاورند.

۱۳۱

یافته های پرسشنامه حاکی از این بود که ۹۳ درصد معتادان بیان کرده اند که در محل ها به راحتی مواد مخدر یافته می شود و مکان های بسیاری برای مصرف مواد وجود دارد. عامل سوء عملکرد نهادهای جامعه پذیری بر گرایش به مصرف مواد مخدر با میانگین $4/0.275$ رتبه اول را کسب کرده است و این نشان از سوء اقدام و مدیریت نهادهای جامعه پذیری ما برای کاهش و یا ریشه کن کردن اعتیاد جوانان کشور است. بی شک نقش خانواده به عنوان واحد اصلی و عنصر تأثیرگذار بر روابط، رفتارها و خصوصیات ذاتی و اکتسابی اعضا واضح و غیر قابل تردید است.

قریب به ۹۰ درصد معتادان از حرام بودن مصرف مواد مخدر و روان گردان بی اطلاع بودند و بیان نظر مراجع به آن ها باعث تعجب معتادان بود.

رابطه اعتیاد و نگرش های محرومیت نسبی: ۹۶ درصد معتادان در پاسخ به این پرسش که دولت هیچ توجهی به آینده شغلی ما ندارد، جواب مثبت داده اند. این نشان از بی اعتمادی نسبت به دولت است. آن چه در اینجا حائز اهمیت است که بیان شود این است که تفاوتی

میان قشر پایین و بالای جامعه در پاسخ به این سؤال نبوده است. یعنی حتی افراد معتادی که از قشر بالای جامعه بودند و در مناطق سعادت آباد و شهرک غرب سکونت داشتند، احساس محرومیت نسبی و بی‌اعتمادی نسبت به دولت می‌کردند. این در حالی است که ۷۱ درصد جامعه آماری، در پاسخ به سؤال «من برای امرار معاش و کسب درآمد برای رسیدن به هدفم حاضر هستم هر جرمی را انجام بدهم» اعلام مخالفت کرده‌اند و بیان کرده‌اند که آن‌ها نیازی به جرائم دیگر برای کسب درآمد ندارند و این اعمال را قبیح و حرام و مخالف حیثیت خانوادگی شان می‌دانند.

در رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر گرایش به مصرف مواد مخدر، نگرش‌های محرومیت نسبی با میانگین ۳/۴۲۲۵ رتبه سوم را آورده است. این نشان از داشتن ارتباط میان محرومیت نسبی و گرایش به سمت مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها دارد و در نهایت باید بگوییم که به اعتقاد ۹۰ درصد معتادان، در مسئله اعتیاد و شیوع آن دولت مقصر است.

نسبت فرضیه‌های تحقیق با نظریه‌های خرده‌فرهنگ‌ها: این مفروضه در پرسشنامه به واسطه دو دسته از داده‌های ناشی از آمار توصیفی پرسشنامه‌ها سنجیده شد: ۱. گروهی یا فردی بودن مصرف مواد مخدر؛ ۲- تعداد افرادی که در محل سکونت یا در خانواده فرد به اعتیاد مبتلا است. بدین سان مشخص شد بعد از وابستگی روانی و جسمی به مواد مخدر، تنها ۹ درصد معتادان به صورت گروهی مواد مخدر را مصرف می‌کنند. تعامل میان افراد یک خرده‌فرهنگ که مهمترین مؤلفه یک گروه است به انگیزه‌های جرم محدود نمی‌شود، هر چند انگیزه مصرف مواد مخدر در بین زنان و مردان، متفاوت است. در حقیقت همان‌طور که یکی از پژوهشگران در اثر خود راجع به جرائم سازمان یافته و گروهی بیان می‌کند، در تعامل هر روزه اعضای یک خرده‌فرهنگ، ضمانت اجرایی وجود دارد، برای عدم همکاری اعضا با مقامات و نیروهای رسمی، مانند پلیس یا پاسگاه و همچنین حمایت از عضوی که به خاطر این عدم همکاری با مقامات رسمی و ضمانت اجرایی رسمی مواجه شده است. این ضمانت اجراها گاه

به شکل وعده وقول به حمایت همه جانبه است (کونز^۱، ۱۹۹۵، ص ۳۶۹).

نظیر این نوع تعامل، در میان معتادان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر و روان‌گردان نیست. زیرا طبق مصاحبه‌ای که با معتادان صورت گرفت، آن‌ها مصرف خود را انفرادی گزارش داده‌اند و در صورتی هم که گروهی باشد، تعاملی میان آن‌ها نیست، مگر تعاملی مانند روابط خانوادگی و دوستانه که اعتیاد دلیل این تعامل نیست بلکه هم‌بستگی خویشاوندی و دوستی دلیل آن است.

طبق یافته‌های تحقیق قریب به ۷۴ درصد معتادان تحصیلات دیپلم و بالای دیپلم دارند و از قشر متوسط به بالای جامعه هستند که در دیگر زمینه‌هایی نظیر تحصیل، پوشش، نحوه ازدواج، آداب و رسوم تحت تأثیر فرهنگ غالب و همسو با آن هستند و مصرف را به عنوان نوعی سرگرمی و کسب لذت می‌دانند و یا عشق و علاقه به جنس مخالف، تنهایی و ارتباط با معتادان در خانواده باعث شروع مصرف مواد شده است.

۱۳۳

فرضیه دیگر تحقیق مربوط به این بود که ساختار و علل مختلف اقتصادی در شکل‌گیری خرده‌فرهنگ اعتیاد مؤثر است، که در رد این فرضیه هم باید بیان کنیم؛ درست است که ساختار و علل مختلف اقتصادی در گرایش به سمت مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بی‌تأثیر نیست، اما با توجه به یافته‌های تحقیق تأثیر آن، چنان نیست که عامل اصلی در گرایش به سمت مصرف مواد شود.

نسبت فرضیه‌های پژوهش با نظریه جرم‌شناسی فرهنگی: مفهوم جرم‌شناسی فرهنگی که شاخه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی است دربرگیرنده دیدگاه‌ها و گرایش‌های گسترده‌ای است که در چند سال اخیر در زمینه‌های جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و عدالت کیفری بر خاسته است (فرل^۲، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰)

همان طور که در یافته‌های پژوهش مشخص شد، ۹۰ درصد معتادان عقیده داشتند مواد

مخدر عادی و جزئی از فرهنگ شده است، رفتار مجرمانه در یک فرآیند پیچیده عادی‌سازی، به رفتاری معقول، موجه و پذیرفته شده تبدیل می‌شود و در پرتو این فهم جرم‌شناسانه است که می‌توان به کنترل اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها که به صورت جزئی از فرهنگ درآمده است، اقدام کرد (سانبرگ^۱، ۲۰۱۳، ص ۶۳).

بحث و نتیجه‌گیری

با انجام مصاحبه با ۱۰۰ معتاد (۵۰ نفر زن - ۵۰ نفر مرد) و پژوهش‌های میدانی درصد اثبات تأثیر مؤلفه‌های نظریه‌های خرده‌فرهنگی؛ پایگاه اقتصادی - اجتماعی، یادگیری، عملکرد نهادهای جامعه‌پذیر و نگرش محرومیت نسبی بر مصرف مواد مخدر و اعتیاد بود. طبق یافته‌های پژوهش مشخص شد ۷۴ درصد معتادان معتقد بودند که فقر و بیکاری از دلایل اصلی گرایش به سمت مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها نیست، ضمن اینکه تنها ۶ درصد حجم نمونه توان خرید مواد مصرفی خود را نداشته و مجبور به خرده دزدی از خانواده خود و دیگران می‌شدند. بالاترین حجم معتادان به مواد صنعتی (۳۵ درصد) در مناطق ۵-۱ تهران سکونت داشتند و در مصاحبه‌ها قریب به ۸۷ درصد معتادان اذعان کردند که حتی اگر پول و ثروت بیشتری داشتند، زودتر گرایش به سمت مصرف مواد مخدر پیدا می‌کردند.

همچنین یکی از مؤلفه‌های اقتصادی - اجتماعی میزان سواد افراد آن محله، شهر یا کشور است. بنابر پژوهش به عمل آمده از میان صد معتاد نمونه هیچ‌کدام بی‌سواد نبوده و تنها ۲۶ درصد آن تحصیلات دیپلم (۴۸ درصد)، فوق دیپلم (۴ درصد)، لیسانس (۲۰ درصد) و فوق لیسانس (۲ درصد) داشته‌اند. میانگین درآمد خانوادگی ۹۰ درصد معتادان ماهیانه بالغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ تومان بوده است. در نهایت در ارزیابی عواملی که در گرایش به سمت اعتیاد حائز اهمیت و دارای نقش هستند، بین مؤلفه‌های نظریه خرده‌فرهنگی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و ساختاری با پایین‌ترین میانگین در ۱/۶۴۶۷ در بازه عددی ۵-۱، رتبه آخر را

آورد و بالاترین میانگین سهم سوء عملکرد نهادهای جامعه‌پذیری با ۴/۰۲۷۵ بود. بنابراین مطابق نظریه خرده‌فرهنگ مجرمانه، نمی‌توان باور به وجود خرده‌فرهنگی شد که قائم به یک نفر یا حتی دو یا سه نفر باشد.

طبق یافته‌های این تحقیق، تاثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی که بیشترین نقش را در تشکیل خرده‌فرهنگ مجرمانه، دارد و ساختار و مشکلات ساختاری (جایگاه اجتماعی) که فرد در انطباق با آنها دست به ارتکاب جرم می‌زند و رکن اصلی و جوهره این نظریه‌ها است، بر گرایش به مصرف مواد مخدر و اعتیاد رد شد. از آن جایی که، مهمترین ویژگی خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه، یعنی گروهی بودن مصرف مواد مخدر برای کسب هویت و واکنش به ساختار با یافته‌های تحقیق در تضاد است، فرضیه اصلی این تحقیق اثبات نمی‌شود و اعتیاد به مواد مخدر توسط افراد و پایداری آن دلالت بر وجود خرده‌فرهنگ مجرمانه اعتیاد ندارد و مصرف انواعی از مواد مخدر در میان گروهی از جوانان، تبدیل به هنجار شده و به عنوان جزئی از زندگی روزمره پذیرفته می‌شود.

۱۳۵

باور ۸۹ درصد معتادان در مصاحبه‌ها بر این بود که آن‌ها مواد مخدر و روان‌گردان را امری عادی و برای رهایی از غم و غصه و کسب لذت و نشاط مصرف می‌کنند. یعنی رفتار انحرافی و مجرمانه به جزئی از فرهنگ مصرف‌کنندگان مواد تبدیل شده است. البته باید دقت کرد که در جرم‌شناسی فرهنگی فرهنگ نه در معنای بهترین گفته‌ها و اندیشیده‌ها، بلکه به معنایی که در مردم‌شناسی و پژوهش‌های فرهنگی بکار می‌رود، استفاده می‌شود. بر این اساس فرهنگ، سبک زندگی، آداب و رسوم، نحوه گفتار، پوشش و معانی مشترکی است که بین گروهی از مردم قابل ردیابی است.

بنا بر جرم‌شناسی فرهنگی، اعتیاد و مصرف مواد مخدر که از سوی فرهنگ غالب و یا نهادهای قدرت انحراف‌آمیز تلقی می‌شود، به جزئی از زندگی روزمره گروهی از افراد تبدیل شده و جنبه خرده‌فرهنگی پیدا کرده است. و داده‌های تحقیق مبنی بر اینکه ۶۴ درصد معتادان و یا مصرف‌کنندگان اذعان داشتند که حتی اگر کار و تحصیلات بالا هم داشتیم باز

به سمت مصرف مواد مخدر می‌رفتیم، مهر تأییدی بر این ادعا است. در نظر گرفتن جرم و انحراف به عنوان جزئی از فرهنگ، نقطه عزیمت نظریه عادی شدن مصرف مواد مخدر را شکل می‌دهد. بر این اساس از یک سو مصرف انواعی از مواد مخدر در میان گروه‌های اجتماعی خاص و به ویژه جوانان رواج یافته و از سوی دیگر رسانه‌ها، از ارجاع به مصرف مواد مخدر و فرهنگ آن انباشته شده‌اند و به همین علت است که ۸۸ درصد معتادان معتقد بودند که رسانه‌ها و برنامه‌های صدا و سیما راجع به مصرف معتادان بی‌تأثیر است. نظریه عادی شدن به هیچ وجه به دنبال تعمیم دادن مصرف متناوب مواد مخدر به تمامی جوانان و حتی اکثریت آن‌ها نیست، بلکه بر تغییر جایگاه بعضی از انواع مواد مخدر مانند گراس (گل)، حشیش و به اصطلاح موادی که جوانان آن‌ها را نرم و سبک می‌شمارند، در دنیای گروهی از جوانان دلالت دارد و می‌توان گفت مصرف مواد مخدر از سوی جوانان، تفریحی عادی شده است.

پیشنهادها

۱- مرحله پیشگیری از مصرف مواد مخدر

- یکی از عوامل گرایش روزافزون جوانان آینده‌ساز کشورمان به سمت استفاده از انواع مواد مخدر، به ویژه از نوع شیمیایی آن، ورود به دنیایی سرشار از هیجان است، دنیایی که در آن تمامی مشکلات روزمره از یاد‌های فرد رفته و خوشی، لذت و شادی کاذبی که در شرایط عادی و زندگی واقعی فراهم نیست، برای مصرف‌کنندگان به بار می‌آید. با لحاظ این واقعیت به صرف جرم‌انگاری و اتخاذ اهرم‌های سخت‌گیرانه کیفری، نه تنها از خوشی و لذت‌های کاذب مواد مخدر، کاسته نخواهد شد، بلکه بر هیجانات مصرف آن‌ها افزوده می‌شود. از این رو، باید با استفاده از روش‌های عمیق میدانی و حضور در میان افراد و خرده‌فرهنگ‌هایی که با استفاده مستمر از مواد مخدر گرایش دارند، با احساسات و پیش‌زمینه‌های

فرهنگی که به چنین امری دامن زده است، آشنا شد و به دنبال بازشناسی و ایجاد راهکارهایی مجاز و بی‌خطر برای تخلیه هیجان‌ات و از همه مهمتر، ابراز احساسات درونی افراد بود. بنابراین تا زمانی که بخواهیم، بدون آشنایی با پویایی‌های دوران جوانی و بدون لحاظ نیاز انکارناپذیر افراد جامعه به محملی برای بیان محتویات درونی‌شان، گام برداریم، نتیجه همان خواهد شد که به موضع‌گیری غیر کارشناسانه برخی اصحاب می‌انجامد و برچسب منحرف و بزهکار به آنها زده می‌شود و بدیهی است که این وضعیت بالقوه می‌تواند، مستعد بزهکار پروری باشد. آشنا کردن دانش آموزان با موقعیت‌های اجتماعی که ممکن است آنها را برای مصرف مواد مخدر تحت فشار اجتماعی قرار بدهند و ایجاد مهارت‌های شناختی لازم با موقعیت‌های خطرناک و دوری از آنها.

● نیاز خانواده‌ها و دانش‌آموزان به آموزش در رابطه با آسیب‌های مواد مخدر، و تغییر نگرش آنها به اینکه مواد مخدر نرم (سبک) و مواد مخدر سنگین نداریم و چه بسا این مواد مخدر نرم، اعتیادی شدیدتر و آسیب‌های بیشتری به افراد وارد می‌کند. این نیازمند این است که در مدارس از همان ابتدا، گروهی از افراد متخصص، نظیر روانشناس، مددکار اجتماعی و یا جرم‌شناس را در مدرسه‌ها بگماریم تا مشاوره‌های متعددی در طول سال جهت جلوگیری از ورود دانش‌آموزان به انواع آسیب‌های اجتماعی انجام دهد و برای افزایش عزت نفس خودباوری دانش‌آموزان فعالیت کند.

● تشکیل پرونده سلامت روانی - رفتاری برای دانش‌آموزان از پایه هفتم، در امر پیشگیری بسیار می‌تواند مثبت و اثربخش باشد. همان طوری که در جرم‌شناسی فرهنگی بیان شد افرادی در امر کارناوالی و مصرف مواد مخدر بیشتر مشارکت می‌کنند که ریسک‌پذیری بیشتر، عزت نفس پایین‌تر و توان نه گفتن کمتری دارند. بنابراین زمانی که پرونده سلامت روانی - رفتاری را مشاور یا روان‌شناس

مدرسه تکمیل کند، دانش‌آموزانی را که در خطر گرایش به سمت مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها هستند، شناسایی می‌کند و برای بهبود وضعیت او اقدام می‌کند. بنابراین لازم است علاوه بر معاون آموزشی و پرورشی یک مشاور آگاه به آسیب‌های اجتماعی، روانی و رفتاری را در مدرسه بکار بگیریم.

- مراکز تفریحی و ورزشی را در محله‌ها افزایش دهیم، تا جوانان هیجانانگیز و انرژی خود را در آن مکان‌ها تخلیه کنند و برای حمایت از روح و روان نوجوان و جوان آغوش خود را باز کنیم. اگر این آغوش را خانواده و جامعه برای او نگشایند، دیگر محرک‌ها و آسیب‌های اجتماعی آغوش باز را به او نشان می‌دهد.
- مبارزه همه‌جانبه و گسترده با هاهنگی سه قوا با قاچاقچیان مواد مخدر، تولیدکنندگان داخلی، پخش‌کنندگان انبوه مواد مخدر و روان‌گردان و سپس پخش‌کنندگان خرد محلی.
- با تدابیر شهروندمحور مبارزه با مواد مخدر، مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها را می‌توان بکار گرفت. این تاکتیک‌ها می‌تواند از نظر میزان شدت عمل و وابستگی به نیروهای پلیس متفاوت باشد و از سطح اعلام گزارش خرید و فروش مواد توسط شهروندان به تلفن‌گویای ستاد مبارزه با مواد مخدر تا ثبت شماره پلاک و مشخصات وسیله نقلیه فروشندگان مواد مخدر و ارائه فوری اطلاعات به پلیس انجام گیرد.
- تفاوت گذاشتن ساده‌انگارانه بین مصرف مواد مخدر «قانونی» و «غیر قانونی» را از بین ببریم. زیرا این مسئله باعث بی‌توجهی به جنبه‌های فرهنگی مسئله می‌شود. این روزها، مصرف انواع قرص‌هایی نظیر ریتالین که فروش و مصرف آن غیر قانونی نیست، میان دانش‌آموزان و دانشجویان افزایش یافته است، در حالی که به لحاظ علمی کاملاً تخدیری هستند.
- پژوهش دانشگاهی در زمینه عوامل عادی‌سازی مصرف مواد مخدر، و علل افزایش پخش‌کنندگان خرد محلی مواد مخدر و روان‌گردان با عنایت به نظریه‌های جرم‌شناسی فرهنگی و خرده فرهنگ مجرمانه.

۲- درمان مصرف کنندگان مواد مخدر و معتادان

● در راستای درمان افرادی که مصرف مواد مخدر را شروع کرده‌اند و یا معتاد شده‌اند اولین قدم این است که از اعتیاد، جرم‌زدایی شود. معتاد محصول همین جامعه است او خود مجازاتی بس شدید شده است؛ مجازات وابستگی به مواد مخدر و ناتوان بودن در جدایی از آن. پس لزومی ندارد که او را مجازاتی مضاعف کنیم و برچسب مجرم به او بزنیم. تا زمانی که دیدمان را به معتاد تغییر ندهیم و به او به مثابه یک بیمار نگاه نکنیم، نمی‌توانیم او را درمان کنیم و وضعیت او را بهبود بخشیم. در طول این چند دهه هر چه مجازات و قوانین شدیدتر شد، معتادان بیشتر شدند و لذت امر کارناوالی مصرف بین جوانان بیشتر شد. بنابراین مشخص می‌شود که مجازات معتادان عاملی برای کاهش اعتیاد نیست. نیاز است معتاد را از رحم قضایی بیرون بیاوریم و در رحم بازپروری غیر قضایی قرار دهیم.

● افزایش کمپ‌های غیر دولتی و دولتی که از نظر رفاهی و خدمات، شایسته یک جوان مصرف‌کننده و معتاد ایرانی باشد. متأسفانه پژوهشگر در پژوهش‌های میدانی، شاهد کمپ‌هایی بود که زنان در آنجا هفته‌ای ۵ دقیقه فرصت استحمام داشتند. این خود، می‌تواند عامل بی‌میلی فرد معتاد نسبت به ورود به این مکان‌ها و اقدام برای ترک وابستگی داوطلبانه باشد. زمانی که مواد مخدر را از جوان می‌گیریم، باید وضعیتی را به او نشان دهیم که میل و رغبتی در او ایجاد کند و برای رهایی از تارهای اعتیاد، به سمت آن بشتابد. همچنین معتادان که هزینه‌های درمان و اقامت در کمپ‌ها و مراکز درمانی را ندارند با استعلام و تأیید ادعای آنها، با حمایت ستاد مبارزه با مواد مخدر، در حمایت مالی قرار گیرند.

● یکی از بزرگترین کارهایی که می‌توان انجام داد، تصویب قانون در خصوص کشت تریاک است که می‌توان مدیریت مصرف را با کشت داخلی کنترل کنیم. با تولید گیاه اولیه توسط جهاد کشاورزی و استحصال داروهای ارزان قیمت نگهدارنده

توسط وزارت بهداشت، معنای که در سال حداقل ۵۰۰ هزار تومان خرجش می‌شود با ۵۰ هزار تومان مدیریت کنیم. بر این اساس معتاد هر صبح دارویش را با کارت هوشمند از داروخانه می‌گیرد و به دام قاچاقچیان نمی‌افتد و با این آمار بالای اعتیاد به مواد مخدر صنعتی روبرو نمی‌شویم. همچنین تسهیلات ویژه برای افرادی که ترک اعتیاد می‌کنند در نظر گرفته شود. یکی دیگر از دلایل جرم‌زدایی از اعتیاد، میانگین سالانه هزینه‌های سنگین دولت از زمان دستگیری معتادان تا زمانی که حکم حبس اجرا می‌شود است و با توجه به اینکه درصد بالایی از زندانیان را معتادان تشکیل می‌دهند و دچار کمبود فضای زندان و در نتیجه اجرای ناصحیح قانون می‌شویم. بنابراین بهتر است با جرم‌زدایی و کیفرزدایی از اعتیاد، این هزینه‌ها خرج پیشگیری از اعتیاد بشود.

- آموزش‌های لازم به ضابطان دادگستری، در رابطه با نحوه برخورد با مصرف‌کنندگان و معتادان به مواد مخدر و روان‌گردان، با عنایت به حقوق شهروندی و علل فرهنگی گرایش به سمت مصرف مواد یادشده.
- بازپروری معتادان، با توجه به یافته‌های تحقیق مشخص شد ۹۰ درصد معتادانی که ترک می‌کنند، مجدد در دام مصرف مواد مخدر و اعتیاد می‌افتند. بنابراین این مطلب اهمیت وجود برنامه‌های راهبردی و سازنده را برای حمایت از وابستگان به مواد مخدر بعد از ترک آن‌ها می‌طلبد.
- یکی از برنامه‌های کاربردی جهت حمایت از فردی که از دام اعتیاد رها شده است، حمایت‌های روانی، مالی و عاطفی او بعد از ترک است. اعطای تسهیلات به فردی که نیازمند است، هم حس اعتماد به دولت را در او تقویت می‌کند و هم او را کمک کرده‌ایم تا مجدد به دام اعتیاد نیفتد. ضمانت‌اجرا برای مصرف‌مجدد به این صورت باشد؛ زمانی که فرد برای اولین بار به کمپ‌های ترک اعتیاد - داوطلبانه یا غیر داوطلبانه- رفت، دولت متحمل هزینه‌های درمانی شود، در صورتی که

مجدد بعد از پاک شدن از اعتیاد، گرایش به سمت مصرف پیدا کرد، ضمن پرداخت هزینه درمانی خود، هزینه‌های درمان اول را هم به دولت برمی‌گرداند و در نهایت در مراتب بعد، به کمپ اجباری و زیر نظر مراجع رسمی قرار گیرد.

• تشکیل سازمان ملی مدیریت اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی، درون سازمان ستاد مبارزه با مواد مخدر، برای پاسخگویی در سطح ملی، از ضروریات است. این سازمان باید نهادهای چابک، برنامه‌ریز، هدایت‌کننده، هماهنگ‌کننده و رصدکننده دائمی و نیز آینده‌نگر، تحصیل‌گر، مأموریت‌محور، اولویت‌گذار و ارزیابی‌کننده کلیه اقدامات باشد و لازم است این سازمان نقشی در تصدی‌گری نداشته و با توجه به مسئولیت‌های خود باید دارای اختیارات مناسب باشد و جهت اصلی این سازمان، مدیریت و کنترل تقاضا به عنوان جدی‌ترین چالش دهه‌های آتی و همچنین جمع‌آوری آمار معتادان، مصرف‌کنندگان مواد مخدر و روان‌گردان باشد.

منابع

اشتری ماهینی، مصطفی. (۱۳۹۵). مطالعه نظری عملی ماده ۵ آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد مصوب ۱۳۷۷. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشکده حقوق. دانشگاه مفید قم.

امین‌صارمی، نودر. (۱۳۷۷). خرده‌فرهنگ و جرم (بررسی خرده‌فرهنگ‌های دستگیرشدگان منکرانی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس. تهران.

حسینی‌نثار، مجید و فیوضات، ابراهیم. (۱۳۹۰). نظریه‌های انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات پژواک. خلیلی، فهیمه. (۱۳۹۱). تحولات اخیر سیاست جنایی ایران در قبال اعتیاد و قاچاق مواد مخدر (روان‌گردان صنعتی و دارویی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران.

روزفیروز بخشایش، رحیم. (۱۳۸۹). آسیب‌های اجتماعی اطفال و نوجوانان در گرایش به اعتیاد از دیدگاه جرم‌شناسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی.

- سلیمی، علی و محمد، داوری. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی کجروی*. چاپ دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فرل، جف. (۱۳۹۱). *جرم‌شناسی فرهنگی*. زهرا نظری، مترجم. *مجله حقوقی داور*، شماره ۸، صص ۱۵۴-۱۲۷.
- کاوه، محمد. (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی*. چاپ نخست. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مگوایر، مایک و مورگان، راد. (۱۳۸۹). *دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد*. حمیدرضا ملک‌محمدی، مترجم. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
- نجفی، علی حسین. (۱۳۸۳-۱۳۸۴). *تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی*. دوره کارشناسی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ویلیامز، فرانک پی و مک‌شین، مارلین دی. (۱۳۹۱). *نظریه‌های جرم‌شناسی*. حمیدرضا ملک‌محمدی، مترجم. چاپ چهارم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- یکتن، خدایی. (۱۳۹۵). *واکاوی تعهدات بین‌المللی ایران در مبارزه با جرائم مواد مخدر*. رساله دکتری حقوق بین‌الملل. دانشکده حقوق. دانشگاه شهید بهشتی.

- Akers, Ronald & Jennings, W. (2009). *Social learning Theory*, in, Miller (Ed), 21 Century criminology; A Reference Hand book. Sage publication.
- Ferrell, Jeff, Hayward, k. young, jock. (2008). *Cultural criminology*. SAGE publication Ltd.
- Kohen, A. and Short, J. F. (1958). Research in Delinquent cultures. *Journal of social issues*, 3(14), pp 20-29.
- Kunz, H. in: Stephan M. (1995). the Economics of crime and criminal law: An Antithesis to sociological Theories. *European Journal of Law and Economics*, 2(4), pp 365-378.
- Sanberg, S. (2013). Cannabis culture: A stable subculture in changing world. *Criminology and criminal justice*, 13(1), pp 63-90.
- Schaefer, R. (2012). *Sociology: A brief introduction*. 10 edition, MCGraw- Hill Humanities. London.
- Short, James. F. (1968). *Gang Delinquency and Delinquent subculture*. Harper & Row.

